صادره از مکتبة الهمة
ترجمه : مجاهد دین

سوال و جواب
درباره‌ی
کنیزان و بردگان



محرّم ١٤٣٦ هـ

عنوان کتاب: سوال و جواب دربارۀ کنیزان و بردگان

عنوان اصلی: سؤال وجواب في السّبي والرّقاب

صادره از: مكتبة الهمة (دولت خلافت اسلامی)

مترجم: مجاهد دین

موضوع: فقه

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: ١ دی ١٣٩٦ ه. ش - ٣ ربیع الثانی ١۴٣٩ ه. ق

منبع: www.tohidbooks.wordprees.com



سوال و جواب
دربارۀ کنیزان و بردگان

صادره از:

مكتبة الهمة (دولت خلافت اسلامی)

مترجم:

مجاهد دین

الحمد لله، والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه ومن والاه، أما بعد:

این نوشته، گذری کوتاه بر علمی "شبه‌غایب" در ابواب فقه معاصر می‌باشد، که به آن نیاز پیدا شده است بعد از آنکه در دار الخلافت اسلامی، تطبیق عملی برای آن ایجاد شده است.

س ۱: سبی (کنیز) کیست؟

ج ۱: زنان اهل حربی که مسلمانان آنان را می‌گیرند را کنیز گویند.

س ۲: چه چیزی کنیز را حلال می‌کند؟

ج ۲: کفر، کنیز را حلال می‌کند، پس زنان کافر برای ما حلال می‌شوند با تقسیم شدن آنان توسط امام بعد از دست‌یافتن بر آنان و احضار کردن آنان به دار الاسلام.

س ۳: آیا همه‌ی زنان کافر را جایز است به کنیزی گرفت؟

ج ۳: در جایز بودنِ کنیزی‌گرفتنِ زنان کافر اصلی، مانند: زنان کتابی و بت‌پرست، بین علما اختلافی وجود ندارد. امّا در کنیزی‌گرفتنِ زن مرتدّه اختلاف کرده‌اند، جمهور به عدمِ جایزبودن آن، رفته‌اند و بعضی از اهل علم به جایزبودن کنیزی‌گرفتن مرتّده رفته‌اند، و آنچه نزد ما راجح می‌باشد قول جمهور است، والله اعلم.

س ۴: آیا آمیزش با کنیز جایز است؟

ج ۴: آمیزش با کنیز جایز می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ٥ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ٦﴾ [المؤمنون: ٥-٦]

«و آن‌ها که شرمگاه‌شان را حفظ می‌کنند(۵) جز بر همسران‌شان یا (بر) کنیزان‌شان، پس بی‌گمان اینان (در بهره‌گیری از آنان) ملامت نمی‌شوند(۶)».

﴿مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ﴾ کنیزشان می‌باشد.

س ۵: آیا با کنیز بعد از صاحب شدش، مستقیماً آمیزش می‌شود؟

ج ۵: اگر باکره باشد پس می‌تواند که بعد از اینکه صاحب او شد مستقیماً با او آمیزش کند، امّا اگر بیوه باشد، پس باید رحم او استبراء گردد، چنانکه در حدیثی که ابو داود از ابو سعید خدری رضی الله عنه تخریج کرده است آمده است از پیامبر صلی الله علیه وسلم که ایشان درباره‌ی کنیزان أوطاس فرمودند: «لَا تُوطَأُ حَامِلٌ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، وَلَا غَيْرُ ذَاتِ حَمْلٍ حَتَّى تَحِيضَ حَيْضَةً»؛ «با زن حامله آمیزش نشود تا اینکه وضع حمل می‌کند، و با زن غیر حامله آمیزش نشود تا اینکه یک بار حیض می‌شود». [حدیث صحیح، به روایت احمد و غیر او]

س ۶: آیا فروش کنیز جایز است؟

ج ۶: خرید و فروش و بخشیدن سبیان و کنیزکان جایز است، برای اینکه آنان صرفاً مال می‌باشند، و می‌تواند در آن -در غیر راه مفسده و ضرر رسانی- تصرف کند.

س ۷: آیا جدایی‌انداختن بین مادر و فرزندانش در خرید و فروش جایز است؟

ج ۷: جدایی‌انداختن بین مادر و فرزندان کوچکش که هنوز به سنّ احتلام نرسیده‌اند در خرید و فروش و بخشیدن، جایز نیست، و جدایی‌انداختن بینشان در صورتی که فرزندانش بزرگ و بالغ باشند جایز است.

س ۸: اگر دو نفر یا بیشتر در خرید یک کنیز اشتراک داشته باشند، آیا آن کنیز برای همه‌ی آنان حلال می‌باشد؟

ج ۸: آمیزش با کنیز حلال نیست مگر برای کسی که به طور کامل و تمام صاحب او باشد. اما کسی که مالکیّتش از آن کنیز، بخاطر شراکتش ناقص باشد، پس برای او آمیزش با آن کنیز حلال نمی‌باشد تا زمانی که سهم دیگران را به نسبت آن کنیز بخرد و یا اینکه دیگر شریکان، تنازل نموده و سهمِ خود را به او ببخشند.

س ۹: اگر کنیز از صاحبش حامله شد، آیا برایش جایز است که او را بفروشد؟

ج ۹: فروختنش جایز نمی‌باشد، برای اینکه در این حالت او به **«أمّ ولد»** تبدیل گشته است و هرگاه صاحبش بمیرد او نیز آزاد می‌شود.

س ۱۰: اگر مردی بمیرد و در املاکش کنیزکانی را باقی بگذارد، حکم آن کنیزان چیست؟

ج ۱۰: کنیزان همانند تقسیم ارث، تقسیم می‌شوند، جز اینکه آنان تنها برای خدمت‌گذاری می‌باشند بدون آمیزش کردن با آنان؛ در صورتی که پدر یا پسر با آن‌ها آمیزش کرده باشد، یا در صورتی که در مالکیّت آن‌ها تعدادی از وارثین اشتراک داشته باشند.

س ۱۱: آیا مرد می‌تواند با کنیزِ همسرش آمیزش کند؟

ج ۱۱: برای مرد جایز نیست که با کنیزِ همسرش آمیزش کند، برای اینکه آن کنیز مُلکِ غیر او می‌باشد.

س ۱۲: آیا برای مرد جایز است که کنیزِ شخص دیگری را ببوسد؛ در صورتی که صاحبش راضی باشد؟

ج ۱۲: برای مرد جایز نمی‌باشد که کنیزِ شخص دیگری را ببوسد، برای اینکه بوسیدن جزو استمتاع می‌باشد و استمتاع هم جایز نمی‌باشد مگر در مالکیت تام.

س ۱۳: عورت کنیز در نماز چقدر است؟

ج ۱۳: عورت او در نماز همانند عورتش در خارج از نماز است و آن: بغیر از سر و گردن و دو دست و دو قدم می‌باشد.

س ۱۴: آیا کنیز می‌تواند بر مردان غریبه بدون حجاب بیرون آید؟

ج ۱۴: برای کنیز جایز است که سر و گردن و دو دست و دو قدمش را جلوی مردان غریبه کشف کند؛ در صورتی که از فتنه امن باشد، اما با بودن فتنه یا ترس از وقوع آن پس حرام می‌باشد.

س ۱۵: آیا جمع بین دو خواهر در به کنیزی گرفتن جایز است؟

ج ۱۵: جمع بین دو خواهر و بین کنیز و عمّه‌اش و بین کنیز و خاله‌اش در به کنیزی گرفتن جایز است، ولی جمع بین آنان در آمیزش جایز نیست. هرکسی که با یکی از آنان آمیزش کند پس آمیزش با آن دیگری برایش حلال نمی‌باشد؛ بخاطر عموم نهی وارده در این باره.

س ۱۶: عزل چیست؟

ج ۱۶: عزل یعنی عدم ریختن منی در فرج زن.

س ۱۶: آیا جایز است که مرد با کنیزش عزل کند؟

ج ۱۷: برای مرد جایز است که در جماع با کنیزش، عزل کند، چه کنیز اجازه بدهد چه اجازه ندهد.

س ۱۸: آیا زدنِ کنیز جایز است؟

ج ۱۸: زدنِ کنیز به عنوان تأدیب‌کردن جایز است، و زدن به عنوان شکستن [اعضا] یا دل‌آسایی یا شکنجه‌دادن حرام می‌باشد، همچنین زدن صورت حرام است.

س ۱۹: حکمِ کنیزی که از دستِ آقایش فرار کرده است چیست؟

ج ۱۹: فرارِ برده یا کنیز از گناهان کبیره است. «عَنْ مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ جَرِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: "أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ" قَالَ مَنْصُورٌ: "قَدْ وَاللهِ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَكِنِّي

أَكْرَهُ أَنْ يُرْوَى عَنِّي هَاهُنَا بِالْبَصْرَةِ»؛ «از منصور بن عبد الرحمن از شعبی از جریر آمده که او از او شنید که می‌گفت (به صورت موقوف آورده): "هر برده‌ای از صاحبانش فرار کند، به تحقیق کفر کرده است تا اینکه نزد آنان باز می‌گردد" منصور گفت: به الله قسم که این از پیامبر صلی الله علیه وسلم (به صورت مرفوع) روایت شده است اما من ناپسند دانستم که اینجا در بصره (که پر از معتزله و خوارجی است که معتقد به تخلید اهل معاصی در دوزخ هستند و خوارج علاوه بر آن، اهل معاصی را تکفیر هم می‌کنند) از من این حدیث روایت شود». [به روایت مسلم]

س ۲۰: عقوبتِ دنیوی برای کنیزی که از دست آقایش فرار کرده است چیست؟

ج ۲۰: برای آن در شرع الله حدّی وجود ندارد، جز اینکه تعذیری می‌شود تا به وسیله‌ی آن جلوی امثال او از فرار کردن گرفته شود.

س ۲۱: آیا ازدواج با کنیزِ مسلمان یا اهلِ کتاب جایز است؟

ج ۲۱: ازدواج شخصِ آزاد با کنیزکان مسلمان یا کتابی جایز نمی‌باشد؛ مگر برای کسی که بر نفس خودش از آلایش به گناه بترسد، و آلایش به گناه همان زنا است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ مِنكُمۡ طَوۡلًا أَن يَنكِحَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۚ﴾ **إلى قوله تعالى**: ﴿ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ ٱلۡعَنَتَ مِنكُمۡۚ وَأَن تَصۡبِرُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ٢٥﴾ [النساء: ۲۵]

«و هر کس از شما از لحاظ مالی توانایی ازدواج با زنان آزاده مؤمن؛ نداشته باشد، پس با کنیزان با ایمانی که ملک یمین شما هستند (ازدواج کند)». **تا آنجا که می‌فرماید:** «این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که از آلایش گناه بترسد، و صبر (و پاکدامنی) پیشه کردن؛ برایتان بهتر است و الله آمرزندۀ مهربان است».

س ۲۲: اگر کنیز ازدواج کند، آیا آقایش باید به او نوبتی در همبستری بدهد؟

ج ۲۲: ابن قدامه مقدسی می‌گوید: «در ملکِ یمین (کنیزان) قِسمتی بر مرد نمی‌باشد... لیکن اگر کنیز به نکاح احتیاج داشته باشد پس بر اوست که عفاف او را تأمین کند: یا با آمیزشِ با او، یا با به ازدواج در آوردنش، یا با فروختنش». [المغنی].

س ۲۳: اگر مرد با کنیزی ازدواج کند که کسی غیر از او مالک آن کنیز می‌باشد، در این صورت برای چه کسی جایز است که با آن کنیز آمیزش کند؟

ج ۲۳: آمیزش آقا با کنیزی که با کسی غیر از او ازدواج کرده است، جایز نمی‌باشد، بلکه کنیز برای آقایش خدمت‌گذاری می‌کند و برای همسرش، کامجویی می‌دهد.

س ۲۴: آیا حدود بر کنیزکان اقامه می‌شود؟

ج ۲۴: اگر کنیز مرتکب چیزی که موجب حد می‌شود گردد، بر او حد اقامه می‌شود، منتها در حدودی که نصف‌شدن را می‌پذیرد، نصف حد بر او اقامه می‌شود، الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِذَآ أُحۡصِنَّ فَإِنۡ أَتَيۡنَ بِفَٰحِشَةٖ فَعَلَيۡهِنَّ نِصۡفُ مَا عَلَى ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ مِنَ ٱلۡعَذَابِۚ﴾ [النساء: ۲۵]

«پس چون ازدواج کردند، اگر مرتکب زنا شدند، پس مجازات‌شان؛ نصف مجازات زنان آزاد (پنجاه تازیانه) است».

س ۲۵: آیا جایز است کنیز خودش را از مالکش بخرد؟

ج ۲۵: بله این جایز است، و این معامله را «**مکاتبه**» می‌نامند.

س ۲۶: پاداش آزادکردنِ کنیز چیست؟

ج ۲۶: الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ ١٢ فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣﴾ [البلد: ۱۲-۱۳]

«و تو چه می‌دانی که گردنهٔ (سخت) چیست؟(۱۲) آزاد کردن برده است(۱۳)».

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً أَعْتَقَ اللّٰهُ بِكُلِّ إِرْبٍ مِنْهَا إِرْباً مِنْهُ مِنَ النّارِ»؛ «هر کس، برده‌ی مؤمنی را آزاد کند، الله متعال در برابر هر عضو آن برده، همان عضو آزاد کننده را از آتش دوزخ، نجات می‌دهد». [به روایت مسلم]. نووی در شرح آن می گوید: «این حدیث بیانگر فضیلت آزادکردن برده است و اینکه از افضل‌ترین اعمال است که با آن، آزاد شدن از دوزخ و وارد شدن به بهشت حاصل می‌شود. [المنهاج]

س ۲۷: کفّاره‌ی قتل خطا چیست؟

ج ۲۷: کفّاره‌ی آن آزادکردن رقبه‌ای (برده یا کنیزی) مؤمن می‌باشد، اگر کسی آن را نیافت، باید دو ماه متوالی روزه بگیرد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٩٢﴾ [النساء: ۹۲]

«هیچ مؤمنی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر از روی اشتباه و خطا، و کسی‌که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند، و خونبهایی به خانواده او بپردازد، مگر اینکه آن‌ها ببخشند، پس اگر (مقتول) از قومی‌باشد که دشمنان شما هستند؛ ولی او مؤمن بوده، باید (قاتل) یک برده مؤمن را آزاد کند، و اگر (مقتول) از قومی‌باشد که میان شما و آن‌ها پیمانی بر قرار است، باید خونبهایی به خانواده او بپردازد، و (نیز) یک برده مؤمن را آزاد کند، و هر کس که (برده‌ای) نیافت، پس دو ماه پی در پی روزه بگیرید، این توبه‌ای از جانب الله است، و الله دانای حکیم است».

س ۲۸: کفّاره‌ی شکستن سوگند چیست؟

ج ۲۸: کفّاره‌ی آن، غذا دادن به ده (۱۰) مسکین، یا لباس پوشاندنشان یا آزادکردن برده‌ای مؤمن می‌باشد - چنانکه نزد جمهور است- و هر یک از اینها بنابر اختیار می‌باشد، و اگر کسی این سه مورد را نیافت، پس سه روز باید روزه بگیرد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ فِيٓ أَيْمَٰنِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلْأَيْمَٰنَ فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيْمَٰنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَٱحْفَظُوٓاْ أَيْمَٰنَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ٨٩﴾ [المائدة: ۸۹]

«الله شما را بخاطر سوگندهای لغو (و بیهوده) تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را بخاطر سوگندهایی که (از روی قصد) محکم کرده‌اید؛ مؤاخده می‌کند، پس کفارۀ آن اطعام ده مسکین است از غذاهای متوسطی که به خانوادۀ خود می‌خورانید، یا لباس پوشانیدن آن‌ها، و یا آزاد کردن یک برده، پس اگر کسی (هیچ یک از این‌ها) نیابد، سه روز روزه بگیرد، این کفارۀ سوگندهای شماست، هر گاه که سوگند یاد کردید (و به آن وفا نکردید) و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید) این چنین الله آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که شکر گزارید».

س ۲۹: کفّاره‌ی ظهار چه می‌باشد؟

ج ۲۹: کفّاره‌ی آن، آزادکردن برده‌ای مؤمن می‌باشد - چنانکه نزد جمهور است- کسی که نتوانست، پس باید دو ماه متوالی روزه بگیرد، کسی که نتوانست، پس باید شصت مسکین را غذا بدهد - با رعایت ترتیب-، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُواْ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِۦ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ٣ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٤﴾ [المجادلة: ۳-٤]

«و کسانی‌که زنان‌شان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند باز می‌گردند، پس باید پیش از آمیزش جنسی باهم بردهٔ را آزاد کنند، این حکمی‌است که به آن (پند و) اندرز داده می‌شوید، و الله به آنچه می‌کنید آگاه است(۳) پس کسی‌که (برده‌ای را) نیابد، پیش از آمیزش جنسی، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و کسی‌که نتواند پس شصت مسکین را طعام دهد، این (حکم) برای آن است که به الله و رسولش ایمان بیاورید، و این‌ها حدود (و احکام) الهی است، و برای کافران عذاب دردناکی است(۴)».

س ۳۰: کفّاره‌ی جماع با همسر یا کنیز در روز رمضان چیست؟

ج ۳۰: کفّاره‌ی آن آزادکردن برده‌ای است، کسی که نتوانست پس باید دو ماه متوالی روزه بگیرد، کسی که نتوانست پس باید شصت نفر را غذا بدهد - با رعایت ترتیب-.

از ابوهریره رضی الله عنه آمده که: «أَنّ رَجُلًا وَقَعَ بِامْرَأَتِهِ فِي رَمَضَانَ، فَاسْتَفْتَى رَسُولَ اللّهِ صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلّمَ، فَقَالَ: "هَلْ تَجِدُ رَقَبَةً" قَالَ: لاَ، قَالَ: "هَلْ تَسْتَطِيعُ صِيَامَ شَهْرَيْنِ" قَالَ: لاَ، قَالَ: "فَأَطْعِمْ سِتّينَ مِسْكِينًا"»؛ «مردی در رمضان با همسرش همبستری کرد و از پیامبر صلی الله علیه وسلم درخواست فتوا کرد، پس فرمود: "آیا برده‌ای داری تا او را آزاد کنی؟" گفت: نه، فرمود: "می‌توانی دو ماه متوالی روزه بگیری؟" گفت: نه، فرمود: "پس شصت مسکین را غذا بده"». [متفق علیه]

س ۳۱: آیا در کفّاره‌ای که آزادکردن برده است، شرط است که آن برده مؤمن باشد؟

ج ۳۱: فقها اجماع دارند بر اینکه در آزادکردنِ مروبط به کفّاره‌ی قتل، شرط است که آن برده، مؤمن باشد. و در کفّاره‌ی شکستنِ سوگند و ظهار و جماع در روز رمضان، اختلاف کرده‌اند. جمهور به این رفته‌اند که باید برده‌ی مؤمن باشد، و حنفیه به این رفته‌اند که اگر هم برده‌ی غیر مؤمن باشد کفایت می‌کند؛ جز در کفّاره‌ی قتل (که در این حالت باید برده مؤمن باشد) و آنچه که از این دو قول ظاهرتر است، قول جمهور است.

والحمد لله رب العالمين

وصلِّ اللهم وسلِّم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين